

کنم. دوست دارم در اوج آمادگی به پیراهن تیم ملی برسم.
* در دربی که بسیاری از نگاهها به آن بازی دوخته شده بود، غایب بودید؟ با آنکه استقلال بازی را برد، اما در این بازی، بدترین روز شما هم رقم خورد.

- درست می گوئید. در برد استقلالی ها سهیم بودم. اما اینکه نتوانستم در بازی باشم ناراحت شدم. روز تلخی برای من بود. دربی را مفت و مجانی از دست دادم. یک کار ساده باعث شد تا در دربی غایب باشم.
* از کجا معلوم بود که گذشته از محرومیت، باز درون دروازه باشید؟

- اگر آن اتفاق ساده و در حقیقت کار ناپخته را انجام نمی دادم، شک نداشتیم که در دربی بنده درون دروازه تیم استقلال قرار می گرفتیم. غیبت بنده در دربی ناخواسته ایجاد شد. اگر سه کارته نمی شدم، اگر محروم نبودم، اگر داور کارت سوم را قبل از بازی دربی به من نشان نمی داد، بنده زودتر از پیش بینی هایم به هدفم نزدیک می شدم.

* گفتید که محرومیت از دربی به صورت ناخواسته ایجاد شد؟
- تعللی که به هنگام شروع بازی ایجاد شد، داور راقع کرد تا به من کارت زرد نشان دهد. حقیقت این است که من بیگناه بودم. قرار شد ضربه از کنار دروازه برای شروع بازی را یکی از هم تیمی هایم آغاز کند. او تعلل داشت و دست آخر از کارش منصرف شد و این کار را به من سپرد. داور مسابقه فکر کرد که من وقت کشی می کنم و به خاطر همین تصور به من کارت زرد نشان داد.

* چرا بعد از دریافت کارت کنترل خود را از دست داده و شدیداً عصبانی شدید؟

- چون دربی را از دست دادم. دربی حق من بود و می دانستم که در دربی درون دروازه هستم. عملکردم چنین نشان می داد. باید هم عصبانی می شدم. باید اعتراض خود را به عاملی که باعث محرومیت من شد نشان می دادم. کسی از این برخورد من ناراحت نشد. حتی سکونشینان هم متوجه شدند که بنده بی جهت یک شانس و موقعیت مهم را از دست دادم و چرا اینقدر عصبانی و ناراحت واکنش نشان دادم.

* نوروژ در راه است. بوی نوروژ و بوی بهار به مشام می رسد. از نوروژ بگوئید.

- با آنکه هنوز جوان هستم. با آنکه هنوز به دنبال عیدی گرفتن از پدرم هستم. اما نوروژ ما را به گذشته برمی گرداند. تحول در سال و شکوفا شدن شکوفه ها حس تازه ای را به ارمغان می آورد. نوروژ ما را به گذشته برمی گرداند. یاد و خاطرات زنده می شود. خرید لباس های نو، دریافت عیدی و دید و بازدیدها، چه صفایی دارد. لذت خوبی به دست می آید. سرکشی به خانه پدر بزرگ و مادر بزرگ. جمع شدن تمام اقوام در منزل بزرگ خانواده، دور ریختن کینه ها و بازگشایی فصل جدید و شروع دوباره برای زندگی بهتر، نوروژ قشنگ است. نوروژ زیباست. دلها شسته می شود. بچه که بودیم، جیب هایمان پر از پول می شد. همیشه دوست داشتیم که تمام سال نوروژ باشد، چون پولدار می شدیم. اسکناسهای نو از این و آن می گرفتیم.

* هنوز هم به دنبال عیدی گرفتن هستید؟

- درست است که بزرگ شده ایم. اما هر فرزندی نزد پدر و مادرش همچنان بچه به حساب می آید. چه کسی از دریافت عیدی ولو آنکه ناچیز باشد، ناراحت می شود؟ هنوز چشمم به دنبال آن اسکناسهای تا نخورده و اطو کشیده است. در عیدی گرفتن لذتی وجود دارد که در میلیارد شدن وجود ندارد.

* تا کی در فوتبال ایران خواهید ماند؟ منظورمان این است قصد لژیونر شدن را ندارید؟ چون شنیدیم پیشنهاد هم دارید؟

- دوست دارم لژیونر شوم. اما دروازه بانها از شانس کمتری برخوردار هستند. در ضمن فکر می کنم که برای لژیونر شدن اندکی زود است. پیشنهاد هم وجود داشت، اما فعلاً زود است.

* آیا بین شما و جلال حسینی نسبتی وجود دارد؟

- نخیر. تشابه اسمی است. سیدجلال که بازیکن بزرگی به حساب می آید شمالی هستند در حالی که ما شیرازی هستیم.

* فرق شفر با منصوریان

- بنده عادت دارم به عنوان یک وظیفه احترام بزرگتر را حفظ کنم. علیرضا منصوریان در مقطعی



بلند پرواز نیستم، اما به پیراهن تیم ملی فکر می کنم

مربی بنده بودند. ایشان قابل احترام هستند، اما در زمان ایشان، استقلال نتوانست خودش را پیدا کند. دلایل زیادی دارد و داشت. با آمدن شفر نظم تیمی و شخصیت تیمی به استقلال بازگشت. شفر کارش را گام به گام آغاز کرد. شاید برای قهرمانی کمی دیر شده است، اما اگر ایشان از ابتدای فصل در کنار استقلال بودند، امروز می توانستیم با شهامت در مورد قهرمانی استقلال در لیگ برتر سخن بگوئیم. شفر حرف کم می زند و بیشتر کار می کند. فوتبال را خوب می شناسد و به قابلیت های فنی بازیکنان هم زود پی می برد و هم به خوبی از آن استفاده می کند. بنده در زمان شفر توانستم بیشتر دیده شوم.

* یعنی اگر شفر نمی آمد و منصوریان در استقلال ماندگار شده بود، حسینی هرگز این روزها را نمی دید؟

- نخیر. منظورم این نیست. اما در زمان منصوریان فرصت برای دیدن من به ندرت پیش آمد.

* بنابراین از نگاه شما شفر بهترین مربی است؟

- اگر منظور شما این است، چون به من فرصت داده اند، چنین نیست، شفر مربی کوچکی نیست. شفر یک مربی شناخته شده است. دیدید که چگونه دربی را از آب بیرون در آورد. در بازی رفت که ما یک بر صفر به پرسپولیس باختیم گفت: اگر چند هفته زودتر استقلال را در اختیار گرفته بودم، هرگز به پرسپولیس نمی باختیم. دیدید که در بازی برگشت نه تنها نباختیم، بلکه به پیروزی هم رسیدیم. بنابراین شفر نیازی به تعریف و تمجید من ندارد و بازی گرفتن و یا نگرفتن من هیچ ارتباطی به بزرگی و کوچکی شفر ندارد.



نام کامل:

سید حسین حسینی

متولد: ۹ تیر ۱۳۷۱ (۲۵ سال)

زادگاه: شیراز

قد: ۱۸۸ سانتی متر

پست: دروازه بان

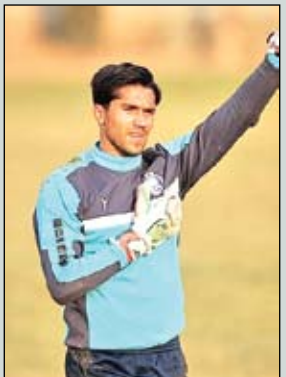
باشگاه کنونی: استقلال

شماره پیراهن: ۲۲

سید حسین حسینی فوتبالی حرفه ای خود را از تیم برق شیراز شروع کرد. وی برای این تیم فقط دو بازی را انجام داد!

پس از آن حسینی پس از دو فصل حضور در استقلال، در سال ۹۳ برای گذراندن خدمت سربازی به صورت قرضی به تیم ملوان بندرانزلی پیوست.

حسینی پس از اتمام دوران سربازی، با توجه به قراردادش، به استقلال تهران بازگشت. در این فصل، علیرضا منصوریان، به این گلر جوان فرصت دروازه بانی استقلال تهران را در دو بازی حساس نخست و پایانی نیم فصل (مقابل تیمهای نفت تهران و سپاهان) داد که هر دو بازی با نتیجه تساوی ۱-۱ پایان یافتند. همچنین او توانست در بازی مقابل نفت تهران در نیم فصل دوم لیگ ۹۶-۹۵ جایگزین رحمتی شود و با واکنش های زیبایش دروازه اش را بسته نگه دارد. استقلال توانست آن بازی را با سوپر گل امید ابراهیمی از روی ضربه آزاد پیروز شود.



اولین بازی او در فصل ۹۶-۹۷ برای استقلال در مقابل تیم پارس جنوبی جم بود که در این بازی دروازه اش دوبار باز شد. او همچنین در این فصل پس از بازی مقابل استقلال خوزستان و کلین شیت در این بازی رسماً رکورد وحید طالبلو را شکست. همچنین او در جریان بازی مقابل تراکتورسازی رکورد حفظ دروازه در تاریخ لیگ برتر را (که تنها سه هفته از شکسته شدنش می گذشت) شکست و در جریان بازی با سایپا و گل نخوردن تا دقیقه ۵۶ رکورد بهرام مودت را شکست و رکورددار کل تاریخ فوتبال ایران شد.